

فقه / رضاء ..... ۱۴۳۹/۴/۲۱ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ - ۵۷

در ادله عموم تنزیل چهار روایت بیان شد که روایت اول بررسی شد .

در روایت اول (صحیحہ عیسی بن جعفر عیسی) سندا و دلالتا تمام بود و تنزیلی که در روایت بود دختر فحل صاحب شیر برای پدر رضیع نازل منزله دختر نسبی او است .

روایت دوم :

روایت اول باب ۱۶ از ابواب رضاء :

( ۲۵۹۴۲ ) ۱ - محمد بن الحسن یاسناده عن محمد بن أحمد بن یحیی ، عن عبد الله بن جعفر عن أيوب بن نوح قال : كتب علي بن شعيب إلى أبي الحسن (سلام الله عليه) : امرأة أرضعت بعض ولدي هل يجوز لي أن أتزوج بعض ولدها ؟

فكتب (سلام الله عليه) : لا يجوز ذلك لك لان ولدها صارت بمنزلة ولدك .

ورواه الصدوق باسناده عن أيوب بن نوح مثله .

بررسی سند :

سندا تمام است .

محمد بن الحسن یاسناده عن محمد بن أحمد بن یحیی

اسناد شیخ طوسی به محمد بن احمد بن یحیی صحیح است وی از اجلاء می باشد .

، عن عبد الله بن جعفر

که ملقب به حمیری است توثیق دارد و مشهور می باشد عبد الله بن جعفر طیار نیز از روات ثقه می باشد که زمانی که شک می شود و مطلق ذکر شده است به فرد مشهور حمل می شود .

عن أيوب بن نوح

ایشان نیز توثیق دارند

بررسی دلالتی :

تعبیری که در روایت امام سلام الله علیه مکتوب فرموده اند (لان ولدها صارت بمنزلة ولدك) تعلیل است و عمومیت تنزیل را ثابت می کند و تصریح به تنزیل دارد و (ولدها) ظهور در فرزندان نسبی دارد زیرا که ولد از ماده مولود است و به فرزندان غیر نسبی ولد گفته نمی شود یعنی فرزندان نسبی مرضعه چه از صاحب شیر باشد یا از غیر او و تعبیر روایت به این معنا است خواهر برادران فرزند تو فرزند تومی باشند.

ان قلت : برخی گفته اند که در روایات جایی که لام تعلیل استفاده شود بیان حکمت است و تعلیل نمی باشد .

قلت : این کلام ثابت نیست و قرینه ای نیز بر آن نیافتیم در نتیجه ادعایی بیش نیست و اخذ به ظاهر تعلیل می شود .

روایت سوم :

روایت دوم باب ۱۶ از ابواب رضاع :

( ۲۵۹۴۳ ) ۲ - محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ، عن عبد الله بن جعفر قال :

کتبت إلى أبي محمد (سلام الله عليه) : امرأة أرضعت ولد الرجل هل يحل لذلك الرجل أن يتزوج ابنة هذه المرضعة أم لا ؟

فوقع (سلام الله عليه) : لا تحل له .

ورواه الصدوق بإسناده عن عبد الله بن جعفر .

أقول : وتقدم ما يدل على ذلك في حديث علي بن مهزيار .

بررسی سند :

سندا تمام است .

محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ،

اسناد شیخ طوسی به محمد بن یحیی که صحیح است و محمد بن یحیی عطار قمی است موثق است .

عن عبد الله بن جعفر

ملقب به حمیری است موثق است .

بررسی دلالی :

این روایت تعلیل ندارد اما مورد روایت در جایی است که خواهر رضیع مانند فرزند پدر رضیع است که مورد خاصی است که به ضابطه نشر حرمت به رضاع اضافه می شود .

روایت چهارم :

روایت دوم باب ۶ ما یحرم من الرضاع :

( ۲۵۸۴۷ ) ۲ - محمد بن یعقوب ، عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن غير واحد ، عن إسحاق بن عمار ، عن أبي عبد الله (سلام الله عليه) في رجل تزوج أخت أخته من الرضاعة .

قال (سلام الله عليه) : ما أحب ان أتزوج أخت أخي من الرضاعة .

بررسی سندی :

سند قابل اطمینان است .

محمد بن یعقوب ، عن علي بن إبراهيم ،

اسناد مرحوم کلینی به علی بن ابراهیم روشن است و تمام و علی بن ابراهیم توثیق دارد .

عن أبيه ،

ابراهیم بن هاشم که توثیق دارد .

عن ابن أبي عمير ،

از اجلاء است و اصحاب اجماع .

عن غير واحد ،

این تعبیر که به معنای بیش از یک نفر که دیگر از مرسلات ابن ابی عمیر محسوب نمی شود بلکه بیش از یک نفر بودن واسطه موجب اطمینان می شود که این افرادی که ابن ابی عمیر از آنها نقل می کند تواطئ بر کذب در آنها داده نمی شود و لو این کلمه فی نفسه احتمال عقلی بر کذب ممکن است ولیکن به نحو عادی موجب اطمینان می شود .

عن إسحاق بن عمار

فتحى است اما توثيق دارد .

بررسی دلالي :

شخصی قصد ازدواج با خواهر برادر رضاعی خود دارد .

اگر بگوییم تعلیل در روایات در این مورد خصوصیتی ندارد عام می شود و تمام موارد را شامل می شود از جمله مورد این روایت را شامل می شود .

صاحب حدائق در جلد ۲۳ صفحه ۴۷۳ از مرحوم محقق داماد در کتاب ضوابط الرضاع نقل می کند :

وقال الفاضل العماد مير محمد باقر المشهور بالداماد - في رسالته التي في التنزيل - ما صورته : من الذايعات عند الأصحاب أن انتشار حرمة الرضاع في الطبقات الرضاعية اشتراط صاحب اللبن ، بل العلامة في التذكرة قد ادعى فيه الاجماع .

تعلیل را عام می داند و به تمام موارد تعمیم می دهند .

و در صفحه ۴۸۳ می فرماید :

إذا عرفت ذلك فاعلم أن جملة من متأخري المتأخرين ممن يقرب من عصرنا هذا قد ذهبوا في الرضاع إلى القول بالتنزيل ، فحكموا بتحريم نسوة كثيرة في الرضاع بناء على ذلك ، ولم يقفوا على القاعدتين المذكورتين المتقدمتين .

منهم العلامة المحقق العماد مير محمد باقر المشهور بالداماد ، فإنه ممن صنف رسالة في ذلك وأكثر فيها من دعاوي الباطلة ، والتخريجات العاطلة ، حتى ادعى أن ما ذهب إليه هو القول المشهور .

وقد كتبنا في المسألة رسالة في الرد عليه ، وأوضحنا فيها بطلان ما صار إليه ، وسميناها بـ " كشف القناع عن صريح الدليل في الرد على من قال في الرضاع بالتنزيل " .

ومنهم الفاضل الشريف المولى أبو الحسن محمد طاهر العاملي المجاور بالنجف الأشرف حيا وميتا ، فإنه أيضا صنف رسالة في ذلك ، وقد نقل أيضا هذا القول المحقق الثاني في رسالة عن بعض معاصريه ، ونقل أنهم أسندوه أيضا إلى شيخنا الشهيد ( رحمه الله ) قال ( قدس سره ) في الرسالة المذكورة : إعلم - أبقاك الله - أنه قد اشتهر على ألسن الطلبة في هذا العصر تحريم المرأة على بعلها برضاع بعض من

سندکره ، ولا نعرف لهم في ذلك أصلا يرجعون إليه من كتاب أو سنة ، أو إجماع أقول لأحد من المعبرين ، أو عبارة يعتد بها تشعر بذلك . أو دليل مستنبط في الجملة يعول على نقله بين الفقهاء ، وإنما الذين شاهدناهم من الطلبة وجدناهم يزعمون أنه من فتاوي شيخنا الشهيد ( قدس سره ) .

ونحن لأجل مباينة هذه الفتاوى لأصول المذهب استبعدنا كونها مقالة لمثل شيخنا على غزارة علمه وثقوب فهمه ، لا سيما ولم نجد لهؤلاء المدعين لذلك أسنادا يتصل لشيخنا في هذه الفتاوى ويعتد به ، ولا مرجع يركن إليه ، ولسنا نأفین هذه النسبة عنه ( رحمة الله ) استعانة على القول بفساد هذه الفتاوى ، فإن الأدلة على ما هو الحق المبين - واختيارنا المتين بحمد الله - كثيرة جدا لا نستوحش منها من قلة الرفيق .

بنابر این برخی عموم تنزيل را از این دو تعلیل استفاده کرده اند

روایت سوم که تعلیل ندارد و در مورد خاص است .

روایت چهارم چند اشکال دارد :

اولا : این عبارت امام سلام الله علیه ( ما أحب ان أتزوج أخت أخي من الرضاعة ) اخت اخی رابطه بین خواهر و برادر یا ابوینی است یا ابی و یا امی است قدر متیقن ابوینی است اما اگر ابی باشد یا فقط امی باشد مشکل است .

ثانیا : این روایت تعلیل ندارد و امام سلام الله علیه در جواب فرموده ( ما أحب ان أتزوج أخت أخي من الرضاعة ) بنابر بر این در مورد خاص است و تعمیم ندارد .

ثالثا : این تعبیر ( ما أحب ان أتزوج أخت أخي من الرضاعة ) قابل تطبیق بر کراهت و حرمت است و این که حضرت سلام الله علیه کراهت را به خود نسبت می دهد ظهور در کراهت دارد بله اگر حضرت سلام الله علیه می فرمودند دوست ندارم تو انجام بدی ( ما احب ان تتزوج ) بله دال بر حرمت بود اما این چنین نمی باشد و اثبات حرمت نمی شود .

نتیجه بحث :

روایات سوم و چهارم تعلیل ندارد و مستفاد عموم تنزيل نمی باشد .

اما دو روایت اول و دوم که تعلیل دارد در مورد فرزندان نسبی مرضعه و فرزندان صاحب شیر اعم از نسبی و رضاعی که از روایات دیگر استفاده شده .

بنابر این در خصوص این دو مورد به مورد نص ملتزم می شویم .

و اما تعمیم به نحو کلی به دلیل تعلیل و تنزیل که لانه بمنزله ولدک را تعمیم دهیم به منزلة ابیک و  
اخیک و اختک و غیره دلیلی ندارد و لذا است که صاحب حدائق رحمة الله علیه این چنین در مورد محقق  
داماد رحمة الله علیه می فرماید و این دو روایت ظهور عرفی نیز بر تعمیم مطلقا ندارد .